

گزارش

سوخت ارزان، هزینه گران

تبعات مازوت سوژی در نیروگاه‌ها

ناترازی زمین گاز، سیاست‌گذار را به سمت سوخت های آلاینده سوق داده؛ مسیری که حل ریشه‌ای بحران انرژی را به تعویق انداخته است. به گزارش مهر، ناترازی گاز طبیعی در ایران دیگر یک پدیده مقطعی نیست، بلکه به مسئله‌ای ساختاری تبدیل شده است. رشد مصرف خانگی، فرسودگی شبکه، افت فشار در میادین گازی و عقب ماندگی سرمایه‌گذاری در بالادست و زیرساخت‌ها، هر سال با آغاز فصل سرد، دولت را ناگزیر به فعال سازی سناریوهای جایگزین می‌کند. در این میان، مازوت و نفت سفید به عنوان سوخت‌های در دسترس، نقش «ضربه‌گیر» را برای نیروگاه‌ها و برخی بخش‌های مصرفی ایفا می‌کنند. این بازگشت اما بیش از آنکه حاصل انتخابی آگاهانه باشد، نتیجه نبود گزینه‌های کم‌هزینه‌تر در کوتاه مدت است. مازوت به دلیل سهم بالای کربن، گوگرد و فلزات سنگین، آلاینده‌ترین سوخت فسیلی متداول محسوب می‌شود. با این حال، در شرایط کمبود گاز، نیروگاه‌ها و صنایع بزرگ ناچار به استفاده از آن می‌شوند تا از خاموشی گسترده جلوگیری شود. نفت سفید نیز که در ده‌های گذشته سوخت اصلی گرمایش در مناطق روستایی و کم‌برخوردار بود، هنوز در برخی نقاط کشور به عنوان پشتیبان مصرف گاز مطرح است. این وابستگی اگرچه از منظر پایداری انرژی قابل فهم است، اما مداوم آن نشانه‌ای از تعمیق شکاف میان ظرفیت تولید انرژی و الگوی مصرف به شمار می‌رود. از نگاه کارشناسان انرژی، اتکا به این سوخت‌ها بیش از آنکه یک «راه حل» باشد، نوعی تعویق مسئله اصلی است. هر سال مصرف مازوت و نفت سفید افزایش می‌یابد، اما هم‌زمان هزینه‌های جانبی آن نیز به شکل تصاعدی رشد می‌کند؛ هزینه‌هایی که در محاسبات بودجه‌ای و ترانه‌های رسمی به‌طور کامل دیده نمی‌شوند. به بیان دیگر، کشور با سوزاندن سوخت ارزان در ظاهر، بهای سنگینی را در لایه‌های پنهان اقتصاد و محیط زیست می‌پردازد.

پیامدهای زیست محیطی

یکی از جدی‌ترین تبعات استفاده از مازوت و نفت سفید، تشدید آلودگی هوادر کلان شهرها و مناطق صنعتی است. افزایش غلظت ذرات معلق، دی‌اکسید گوگرد و اکسیدهای نیتروژن، مستقیماً با مصرف این سوخت‌ها ارتباط دارد. تجربه رستمستان‌های اخیر نشان داده است که هم‌زمان با افزایش مصرف مازوت در نیروگاه‌ها، شاخص کیفیت هوادر شهرهای بزرگ به محدوده ناسالم و خطرناک وارد می‌شود. این آلودگی نه تنها سلامت عمومی را تهدید می‌کند، بلکه هزینه‌های درمانی و بهره‌وری نیروی کار را نیز افزایش می‌دهد. نفت سفید اگرچه نسبت به مازوت آلایندگی کمتری دارد، اما همچنان سوختی پرکربن محسوب می‌شود. استفاده گسترده از آن در بخش خانگی و مناطق محروم، علاوه بر انتشار گازهای گلخانه‌ای، خطرات ایمنی و بهداشتی خاص خود را دارد. از سوی دیگر، سوزاندن این سوخت‌ها با تبعات زیست محیطی و اهداف کاهش شدت انرژی همخوانی ندارد و عملاً مسیر گذار به انرژی پاک را دواثرتر می‌کند. کارشناسان محیط زیست تأکید می‌کنند که هزینه واقعی این سوخت‌ها تنها در قیمت تمام‌شده آنها خلاصه نمی‌شود، خسارت به اکوسیستم‌ها، افزایش بیماری‌های تنفسی و کاهش کیفیت زندگی، بخشی از هزینه‌هایی است که به صورت غیرمستقیم بر دوش جامعه گذاشته می‌شود. در این چارچوب، استفاده مداوم از مازوت و نفت سفید را می‌توان نوعی «پارانه پنهان آلودگی» دانست؛ پارانه‌ای که آثار آن دیرتر اما عمیق‌تر نمایان می‌شود.

ملاحظات اقتصادی وامنیت انرژی

از منظر اقتصادی، استفاده از سوخت‌های جایگزین اگرچه در کوتاه مدت مانع از توقف تولید برق و گرمایش می‌شود، اما در میان مدت فشار مضاعفی بر بودجه دولت وارد می‌کند. مازوت و نفت سفید محصولاتی هستند که می‌توانند ارزش صادراتی داشته باشند، اما مصرف داخلی آنها در نیروگاه‌ها عملاً به معنای از دست رفتن درآمدهای ارزی بالقوه است. علاوه بر این، هزینه نگهداشت تجهیزات، فرسایش نیروگاه‌ها و کاهش درآمدان تولید برق، بار مالی پنهانی را ایجاد می‌کند که در حساب‌های سالانه کمتر دیده می‌شود. از زاویه امنیت انرژی نیز، تکیه بر این سوخت‌ها نشان دهنده ناقص بودن سیستم انرژی کشور است. هرچه وابستگی به سوخت‌های سنگین بیشتر شود، انعطاف پذیری شبکه انرژی کاهش می‌یابد. این موضوع به‌ویژه در شرایط تحریم و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. کارشناسان معتقدند که استمرار این وضعیت، کشور را در چرخه‌ای معیوب گرفتار می‌کند؛ کمبود گاز، مصرف مازوت، افزایش آلودگی و هزینه، در نهایت کاهش توان سرمایه‌گذاری برای حل ریشه‌ای مشکل. در این میان، نبود سیگنال قیمتی مؤثر نیز به تشدید مسئله دامن زده است. وقتی قیمت گاز و برق به‌گونه‌ای تعیین می‌شود که مصرف‌کننده انگیزه‌ای برای صرفه جویی ندارد، فشار بر شبکه افزایش یافته و استفاده از سوخت‌های جایگزین اجتناب‌ناپذیر می‌شود. به باور کارشناسان حوزه انرژی، اصلاح تدریجی قیمت‌ها همراه با حمایت هدفمند از اقشار آسیب‌پذیر، می‌تواند بخشی از بار ناترازی را کاهش دهد و نیاز به سوخت‌های آلاینده را محدود کند.

راهکارهای خروج از چرخه مازوت

حل مسأله وابستگی به مازوت و نفت سفید، نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های هم‌زمان در عرضه و تقاضاست. در بخش عرضه، سرمایه‌گذاری در افزایش تولید گاز، توسعه میادین مشترک و ارتقای ظرفیت ذخیره سازی فصلی اهمیت کلیدی دارد. نیروگاه‌های سبک‌تر ترکیبی با راندمان بالا می‌توانند مصرف سوخت را به‌طور معناداری کاهش دهند و فشار بر شبکه گاز را کم کنند. همچنین توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، هرچند در کوتاه مدت جایگزین کامل نیست، امادر بلندمدت نقش مهمی در تنوع بخشی به سبد انرژی ایفا خواهد کرد. در سمت تقاضا، مدیریت مصرف و بهینه سازی انرژی اولویتی اجتناب‌ناپذیر است. بهبود استانداردهای ساختمان، نوسازی ناوگان گرمایشی و افزایش بهره‌وری صنعتی می‌تواند مصرف گاز را کاهش دهد و نیاز به سوخت‌های جایگزین را محدود کند. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که هر واحد سرمایه‌گذاری در بهینه‌سازی، بازدهی بالایی نسبت به افزایش تولید دارد. در نهایت، سیاست‌گذاری شفاف و مبتنی بر واقعیت‌ها می‌تواند اقتصاد را می‌تواند مسیر خروج از چرخه تکراری کمبود گاز و مصرف مازوت را هموار کند. در اعتقاد کارشناسان، تا زمانی که تصمیمات مقطعی جایگزین برنامه ریزی بلندمدت شود، مازوت و نفت سفید همچنان همپان ناخواسته دشمنان‌های ایران خواهند بود. گذار به نظام انرژی پایدار، اگرچه زمستان‌زودتر و زمان‌بر است، اما تنها راه هزینه‌های زیست محیطی و اقتصادی و تضمین امنیت انرژی در سال‌های پیش‌رو محسوب می‌شود.

«آرمان ملی» افزایش قیمت محصولات ایران خودرو را بررسی می‌کند

جدال قیمت خودروها در رینگ اقتصاد



مدیرعامل ایران خودرو دیزل در توجیه افزایش قیمت‌ها، مدعی شده که تغییر قیمت، تأثیری

در سود شرکت ندارد. ادعایی که برای بسیاری از ناظران، نه تنها قانع‌کننده نیست، بلکه

پرسش‌های جدی‌تری را درباره شفافیت مالی و منطق اقتصادی این تصمیم‌ها ایجاد کرده است

علاّمه‌نه به نفع تولیدکننده و نه به سود مصرف‌کننده است. از سوی دیگر گروهی نیز معتقدند: در راستای خصوصی شدن ایران خودرو، دولت از طرفی نمی‌خواهد مسئولیت تبعات اجتماعی و تورمی افزایش قیمت خودرو را بپذیرد و از سوی دیگر حاضر نیست هزینه‌های سیاسی و ارزی واردات گسترده و ایجاد رقابت واقعی را نیز تقبل کند که در نتیجه این دوگانگی، شکل‌گیری وضعیتی است که در آن خودروسازان، به‌ویژه مجموعه ایران خودرو، خود را در جایگاه مطالبه‌گر می‌بینند و دولت را صرفاً مانعی بر سر راه تصمیمات اقتصادی، معرفی می‌کنند، هرچند به گمان تحلیلگران در این میان، حمایت از مصرف‌کننده با بهبود کیفیت و کمیت محصولات تولید شده ایران خودرو، که یکی از اهداف خصوصی‌سازی بوده است نیز محقق نشده است.

اعلام جنگ گرانی

به گفته تحلیلگران احتمالاً، اقدام ایران خودرو دیزل در همین چارچوب قابل تحلیل است، که شرکتی که بااستناد به افزایش هزینه‌ها، تحریم‌ها، کسری نقدینگی و نیاز به تأمین منابع، قیمت‌ها را افزایش می‌دهد، نباید هیچ نهاد بالادستی در این تصمیم‌ها مداخله نکند. این در حالی است که بسیاری از شرکت‌های خودروساز دولتی یا غیردولتی طی سالیان اخیر، از حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی برخوردار بوده‌اند و همچنین از تسهیلات بانکی گرفته تا انحصار بازار و تعرفه‌های سنگین واردات نیز بهره‌مند بوده‌اند. این گزارش حاکی است، افکار عمومی به این تحولات، به‌ویژه در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی، به شدت منفی و وخشنه‌زده شده است. بسیاری این افزایش قیمت‌ها را نه اصلاح اقتصادی، بلکه اعلام جنگ به مردم تعبیر کرده‌اند؛ جنگی که در آن مصرف‌کننده نهایی، بدون داشتن حق انتخاب واقعی، ناچار به پذیرش قیمت‌هایی است که هر روز از توان خرید او دورتر می‌شود. در چنین شرایطی، ادعای بی‌تأثیر بودن افزایش قیمت‌ها بر سود شرکت‌ها، بیش از آنکه آرامش بخش باشد، باعث نارضایتی شدید مردمی شده است.

راهکار چیست

تحلیلگران در این بازار معتقدند؛ آنچه امروز در حال رخ دادن است، تنها یک مناقشه مقطعی میان دولت و یک خودروساز نیست، بلکه نشانه‌ای از بحران ساختاری در حکمرانی صنعت خودروست و قطعاً تا زمانی که تکلیف خصوصی سازی، قیمت‌گذاری، رقابت، واردات و نقش دولت به‌طور شفاف مشخص نشود، این چرخه معیوب ادامه خواهد داشت و در نتیجه یک روز سایت فروش بسته می‌شود، روز دیگر قیمت‌ها جهش می‌کند، روز بعد تهدید به توقف تولید مطرح می‌شود و در نهایت، هزینه همه این تصمیم‌ها بر دوش مردم و اقتصاد کشور می‌افتد. از این رو به نظر می‌رسد، باید ساختار و سیاست‌گذاری صحیحی برای این مطلب نوشته شود تا در راستای خصوصی سازی ایران خود و زیرمجموعه‌های

دوشنبه
۱۳۰۱۰۱۱۰۱۴
۱۳ شعبان ۱۴۴۷ / ۰۲ فوریه ۲۰۲۶

سال هشتم
شماره ۲۳۱۶
armanmeli.ir

دربین

رکود در بازار مسکن

ملک و ساختمان در حالی روزهای پرفت و آمدی را حداقل در سطح پنگاه‌های معاملات ملکی پشت سر می‌گذارند که به گفته کارشناسان، دلیل اصلی آن اشیاع شدن بازارهای موازی طلا و ارز است. امری که در عین حال نمی‌تواند نشانه رونق این بازار و خروج از رکود باشد.

ماه‌های پایانی سال در طول سال‌های گذشته همواره به‌طور طبیعی ماه‌هایی برای خرید ملک یا تبدیل به احسن و احدا بوده است. از ابتدای دی ماه امسال نیز چنین تحرکاتی در بازار مسکن دیده می‌شود و هرچند ناآرامی‌های اخیر کشور وقفه‌ای در رفت و آمدها ایجاد کرد، اما به نظر می‌رسد دوباره به مسیر خود بازگشته است. هرچند کارشناسان امر معتقدند همه اینها به معنای رونق معاملات و خروج از رکود نیست.

در این زمینه رئیس انجمن انبوه‌سازان مسکن و ساختمان استان تهران به ایرنا گفت: در بازار شاهد افزایش متوسط ۲۰ تا ۳۰ درصدی قیمت مسکن هستیم و به‌طور خاص افرادی که پیشتر در بازار طلا و سایر بازارهای موازی سرمایه‌گذاری کرده بودند، اکنون و با اشباع شدن این بازارها، همچنین سخت شدن نگهداشت این دارایی‌ها، به سمت بازار مسکن شیفت کرده‌اند.

رامین گوران اظهار داشت: به‌طور معمول در ماه‌های پایانی سال چنین رویه‌ای را بر بازار مسکن حاکم می‌شود، با این حال به معنای رونق بازار نیست.

همچنین داود بیگی نژاد نائب‌رئیس اول اتحادیه مشاوران املاک تهران به ایرنا گفت: بازار مسکن نظاره‌گر بازارهای دیگر است و تحولات در سایر بازارهای موازی را رصد می‌کند.

وی بیان داشت: این روزها بازار طلا و ربه آستانه‌ای از «غیر قابل اعتماد بودن» رسیده و در مقابل، بازار مسکن بزرگترین جамانده در بین بازارها از نظر قیمتی بوده است. این مقام صنفی خاطرنشان کرد: اکنون فعالان بازارهای طلا و ارز که اعتماد خود به این بازارها را از دست رفته می‌بینند، چرخشی به سمت بازار مسکن داشته‌اند. رفتاری که با رفتار عمومی مردم در ادوار گذشته در ایام پایان سال (دی، بهمن و نیمه نخست اسفند) و افزایش تردد در واحدهای مشاوران املاک برای خرید ملک، تشدید شده است.

وی با تأیید افزایش ترددها و مراجعه به واحدهای مشاوران املاک برای خرید ملک از ابتدای دی ماه، گفت: ناآرامی‌های اخیر سکنه‌ای در روند این ترده‌ها ایجاد و در آن ایام بازار قدری مسیر خود را گم کرد، با این حال رفت و آمدها دوباره سیر صعودی داشته است.

نبض بازار

بازگشت بورس به مدار رشد

شاخص کل بورس در پایان معاملات روز یکشنبه (۱۲ بهمن) بارش شد ۳۴ هزار واحدی به تراز ۳ میلیون و ۹۵۹ هزار واحد منفی یافت. شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات یک‌شنبه ۱۲ بهمن با افزایش ۴۴ هزار و ۸۶۵ واحد به تراز ۳ میلیون و ۹۵۹ هزار واحد صعود کرد. شاخص هم‌وزن ۲۸۵۹ واحد منفی شد و در کف کانال یک میلیون واحد قرار گرفت. ارزش کل بورس تهران نسبت به دیروز یک کانال ارتقا یافت و به رقم ۱۱.۸ هزار همت جهش کرد. ارزش صندوق دیروز ۱۰۸.۲ همت و خرد ۲۳ صفت بود. ارزش صفت خرد ۵۶۰۰ و فروش و ۲۲۴.۱ میلیارد تومان بود.

میزان خروج پول حقیقی‌ها از بازار سهام ۶۹۴.۵ میلیارد تومان، صندوق‌های سهامی ۲۸۲.۶ میلیارد تومان، صندوق‌های درآمد ثابت ۵۷۵.۵ میلیارد تومان، صندوق‌های اهرمی ۶۳ میلیارد تومان و صندوق‌های طلا در یک ساعت اول معاملات ۴۰۰ میلیارد تومان بود. متوسط یک ماهه خالص ورود و خروج پول حقیقی‌ها از بازار سهام همچنان منفی بوده و به رقم ۸۴۸.۳ میلیارد تومان رسیده است.

۵۴ درصد بازار سبزپوش و ۳۶۶ نماد مثبت و ۴۶ درصد بازار سرخ پوش و ۲۵۴ نماد منفی بود.

بیشترین میزان ورود پول حقیقی‌ها به گروه‌های فلزات اساسی با ۳۶۷ میلیارد تومان و فرآورده‌های نفتی با ۱۵۶.۱ میلیارد تومان و بیشترین میزان خروج نقدینگی به‌اسامداران حقیقی از گروه‌های شیمیایی با ۱۲۴.۱ میلیارد تومان، سرمایه‌گذاری‌ها و بانک‌ها هر کدام با ۱۰۰ میلیارد تومان اتفاق افتاد. نماد فملی با جذب ۴۴۶.۴ میلیارد تومان و نماد ارون‌د با از دست دادن ۱۰۷.۸ میلیارد تومان در صدر لیست نماد‌های دارای بیشترین ورودی و خروجی پول حقیقی‌ها ایستادند. شاخص فرابورس نیز ۲۹۱ واحد منفی شد و کانال ۳۰ هزار واحدی را از دست داد و به تراز ۲۹ هزار و ۷۲۸ واحد برگشت.

۱۹۵۸.۱ میلیارد تومان ارزش معاملات خرد فرابورس و ۳۷.۶ میلیارد تومان مبلغ خروج پول حقیقی‌ها از نماد‌های فرابورسی بود. با این حال متوسط ماهانه ورود و خروج پول حقیقی به فرابورس همچنان در دامنه مثبت ۲۱۰۶.۸ میلیارد تومان قرار دارد.